



یادداشت‌های سید

دست‌نوشته‌های سردار شهید سعید قهاری
فرمانده لشکر سوم نیروی مخصوص حمزه سیدالشهدا

به اهتمام: محمدرسول رستمی

انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری)



دفتر فرهنگ و مطالعات یاداری برائت اسلامی
استان آذربایجان غربی

یادداشت‌های سعید

دست‌نوشته‌های سردار شهید سعید قهاری سعید
فرمانده لشکر سوم نیروی مخصوص حمزه شهدا

به اهتمام: محمدرسلول رستمی

چاپ و تصافی: واژه پرداز اندیشه چاپ اندیشه

چاپ اول: ۱۳۹۷

شماره: ۱۱۰ نسخه

بک: ۶-۵۷۹-۰۳-۶۰۰۰-۹۷۸

سرشمه: قی ی سعید، سعید، ۱۳۳۱-۱۳۸۵.

ان وناه یادآور: یادداشت‌های سعید: دست‌نوشته‌های سردار
شهید سعید قهاری، بیده بده لشکر سوم نیروی مخصوص حمزه
سیدالشهدا سعید، دین محمدرسلول رستمی.

مشخصات نشر: ن: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۵۰۲ ص: مص: عکس.

شابک: ۶-۵۷۹-۰۳-۶۰۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: قیبا

عنوان دیگر: دست‌نوشته‌های سردار سعید قهاری سعید
فرمانده لشکر سوم نیروی مخصوص حمزه شهدا.
موضوع: قهاری سعید، سعید، ۱۳۳۱-۱۳۸۵. یادداشت‌ها، طرح‌ها
و غیره.

موضوع: شهیدان -- ایران -- آثار و نوشته‌ها

Martyrs' writings -- Iran

شناسه افزوده: رستمی، محمدرسلول، ۱۳۷۰-، گردآورنده

شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ ق ۹۴/۲ DSR ۱۶۷۸

رده‌بندی دیویی: ۹۵/۹۲۰۸۴۳

شماره کتابشناسی ملی: ۴۳۰۹۵۱۵

نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشت، پلاک ۲۳

مستدق پستی: ۱۵۸۱۵-۱۱۴۴

تلفن: ۶۱۹۴۲

تلفن مرکز بخش: (پنج خط) ۶۶۴۶۰۹۹۳ فکس: ۶۶۴۶۹۹۵۱

www.sorehme.ir

فهرست

- ۰۰۷ | مقدمه تدوین گر
- ۰۱۷ | مروری بر زندگی نامه شهید سعید قهاری سعید
- ۰۴۱ | یادداشت های سال ۱۳۶۵
- ۰۴۶ | یادداشت های سال ۱۳۶۶
- ۰۵۴ | یادداشت های سال ۱۳۶۸
- ۰۷۲ | یادداشت های سال ۱۳۶۹
- ۰۷۵ | یادداشت های سال ۱۳۷۰
- ۱۰۵ | یادداشت های سال ۱۳۷۱
- ۱۴۴ | یادداشت های سال ۱۳۷۲
- ۱۹۱ | یادداشت های سال ۱۳۷۳
- ۲۰۵ | یادداشت های سال ۱۳۷۴
- ۲۱۹ | یادداشت های سال ۱۳۷۵
- ۲۳۹ | یادداشت های سال ۱۳۷۶
- ۲۶۶ | یادداشت های سال ۱۳۷۷
- ۲۸۸ | یادداشت های سال ۱۳۷۸
- ۳۱۱ | یادداشت های سال ۱۳۷۹
- ۳۴۶ | یادداشت های سال ۱۳۸۰
- ۳۶۶ | یادداشت های سال ۱۳۸۱
- ۳۸۴ | یادداشت های سال ۱۳۸۲
- ۴۱۶ | یادداشت های سال ۱۳۸۳
- ۴۴۳ | یادداشت های سال ۱۳۸۴
- ۴۶۴ | یادداشت های سال ۱۳۸۵
- ۴۷۹ | نوشته های آخر
- ۴۸۴ | تصاویر

مقدمه تدوین‌گر

وقتی خبر شهادت پدرم را از تلویزیون شنیدم که چند ساعت قبل اتفاقی تلخ برای خانواده افتاده بود و پدرم به شدت آشفته و پیگیر رتق و فتق آن واقعه بود. مجری اخبار روز شرح واقعه را نگفته بود که پدرم داد زد «ای وای!» و بعد محکم دستش را بر سر آوار کرد!

تعداد کلمات واقعه به این نژاد سی و تلخی، در کمتر از بیست ثانیه از تلویزیون کشور ادا شد. حمله ضد انقلاب به بالگرد حامل سعید قهاری سعید، فرمانده لشکر سوم، موضوع قرارگاه حمزه و شهادت مظلومانه او به همراه ۱۳ تن از هم‌زمان.....

پدرم گویی برادری را از دست داده باشد، این کلامش این بود: «اجل مهلت نداد تا خاطراتش را بر صفحه کاغذ برآورد» و گفت که چند بار قصد هماهنگی با او برای ضبط تاریخ شفاهی و خاطراتش را داشته و هر بار موفق نبوده که اولین بار خودم شاهد آن بودم؛ تابستان ۱۳۸۰ برای شرکت در یادواره برادر احمد متوسلیان و ۱۱۰۰ شهید مریوان اعلام آمادگی یار شدیم که به رغم هماهنگی قبلی، پدر موفق به دیدار وی نشد.

از آرزوهای من و پدرم، نگارش خاطرات شهید از زبان دوستان و هم‌سنگران او بود که مستلزم هزینه سنگین برای یافتن آنان در گوشه‌گوشه کشور بود؛ دوستانی که در اسدآباد، نهاوند، سنقر، همدان، کرمانشاه، جوانرود، روانسر، پاوه، مریوان، سروآباد، سنندج، ارومیه، یزد و... و روستاهای دور

افتاده غرب و شمال غرب کشور، در سینه و یاد خود از همسنگر و فرمانده خود ناگفته‌ها و ناشنیده‌هایی دارند که به دنبال گوش شنوا و قلم صریحی هستند تا آن را به سینه تاریخ بپارند. آری پدر قادر به پنهان کردن آرزوهای خود نیست و تکرار این آرزو، مرا نیز آرزومند تحقق این آرزو کرد. و این آرزو پنج سال بعد محقق شد. پدر خبر را با شوق و ذوق وصف ناشدنی به من داد؛ خبری با پیوست دو کارتن دست‌نوشته شهید قراری در حدود چهل سالنامه و دفترچه یادداشت و این که «شما باید همه این یادداشت‌ها را بخوانی و با مشورت برادران؛ احمد دهقان و حسین نصرانی؛ نجانی، هر آنچه را که به درد عموم می‌خورد از دل این دریا استخراج کنی و...»

پسین و یک سال دست‌نوشته شهید را به امانت گرفتم؛ امانتی دو سوپه؛ هر خورشید و خسارتی ولو در حد یک نقطه مداد به اوراق وارد نکنم و هم درست تم بگه داشته؛ کلمه یا جمله‌ای از زبان شهید حذف نکنم؛ مگر آنکه از کلمه یا جمله حیثیت و آبروی مؤمنی را خدشه‌دار کند و یا سری را اعم از نظامی یا خانوادگی فاش نماید.

مطالعه و استخراج هر ران صفحه از یادداشت‌های شهید، بیش از هشت ماه زمان را معطوف خود کرد که بر زمان با آن حروف چینی، تطبیق متن با اصل سند و نمونه خوانی نیز انجام می‌گرفت. خوانندگان ضمن مطالعه روزنوشته‌ها متوجه می‌شوند که با گذشت زمان و طول عمر سعید قهاری، علاوه بر زیبانویسی، محتوای آن نیز به‌شدت غنی و پرمعنی‌تر می‌شود به گونه‌ای که حتی اغلاط نوشتاری در سال‌های نرسه‌های آخر او کمتر به چشم می‌خورد.

همان‌گونه که به آن توصیه شده بودم این کتاب در برگیرنده نوشته‌های منتخب است؛ انتخاب از آن جهت که سعی شده است از درج یادداشت‌هایی با مشخصات زیر پرهیز کنم:

- تحلیل‌های کاملاً تخصصی نظامی که در این مجمل قابل گنجاندن

نیست و شاید در پژوهشکده‌های نظامی کاربرد مناسب داشته باشند و اهل فن بتوانند از آن گونه‌های دیگر از جمله پژوهش نظامی استخراج کنند.
- دیدارها، جلسات و نشست‌های تکراری که درج آن فقط موجب افزایش حجم کتاب می‌شد.

- یادداشت‌های سری و کاملاً شخصی و خانوادگی.
- بعضی از مطالب که صحت و سقم آن برای شهید هم مشخص نیست. مثلاً گزارش ارسالی از یکی از نیروهایش که حیثیت فردی را خدشه‌دار کرده است.

- چنان‌که در گزارش سری نظامی،
- نقل قول‌های رهین‌آمیز با دست‌خط شهید.

در حدود پنجاه مورد از یادداشت‌های شهید با اسامی بعضی از منابع اطلاعاتی، برخی از زیردستان و تلف‌بومی و حتی نظامی که مرتکب خلاف و قصور در انجام وظیفه شده‌اند، همچون با نام بعضی از اماکن، مواجه شدیم که از یک سو؛ به خود جرأت حذف نام‌ها را ندادیم و از سوی دیگر جسارت به کارگیری اسامی مستعار را؛ مستلزم دست‌برد به روزنوشته‌ها بود؛ پیدا نکردیم، فلذا با حذف اسامی اشاره شد. این دخل و تصرف را با علامت [...] مشخص کرده‌ایم که مطالعه‌کنندگان از آن یادداشت‌ها با موضوعات مختلف به منظور توجیه خوانندگان خدائی را لطف نیست.

۲۳ بهمن ۱۳۶۶

در همدان بودم که در رابطه با مسئله ازدواج خواهرم رقیه، با خانم [...] صحبت کردم و به رقیه و پدرم و برادرم گفتم این کار مصلحت نیست.

۲۹ فروردین ۱۳۷۰

صحبتی با [...] داشتم و برای رضای خدا تمام نظراتم را در جهت اصلاح خودش و پیشبرد کارهایش به ایشان گفتم و تأکید هم کردم که دوره‌عالی را بروند.

۱۷ فروردین ۱۳۷۱

شرکت در صبحگاه مشترک سپاه و صحبت در رابطه با انتخابات و شرکت فعال برادران در انتخابات چهارمین دوره مجلس شورای اسلامی و عدم دخالت برادران در این رابطه. یکی از برادران پاسدار به نام [...] در یکی از ستادهای انتخاباتی بوده که توسط حفاظت اطلاعات دستگیر شد.

۳۰ فروردین ۱۳۷۱

سردار رستگاریانه ساعت ۹ صبح از گردان اسلام‌دشت بازدید فرمودند که بر اساس فرمایش ایشان وضعیت عمومی گردان از هر جهات بیش از حد خوب بوده تا جایی که فرمانده گردان برادر [...] در زمان بازدید ایشان در دستورات بوده است.

۹ خرداد ۱۳۷۱

بحث پیگیری وضعیت سرقت قرآن نگل و [...] اقدام گردید که سردار رستگار شریف آورند و جلسه‌ای در منزل سردار رستگار گذاشته شد با حفاظت و حاج حیدری، نتیجه بر این شد که [...] مریدان سریعاً برگردد که برگشت و ۵ صبح تحویل حفاظت گردید.

۱۰ خرداد ۱۳۷۲

شرکت در شورای تأمین استان اقدام گردید که گزارشی قرآن نگل که به‌دست آمده بود توسط نیروی انتظامی در جلسه ارائه گردید. بازدید از آگاهی در رابطه با سرقت قرآن نگل همراه سردار رستگاریانه که مردم نگل در آگاهی تجمع کرده بودند و گوسفندی نیز سر بریده و منتظر بردن قرآن بودند. برادر عابدی رأس ساعت ۳ بعد از ظهر تماس گرفتند و گفتند که [...] اعتراف کرده که در سرقت قرآن دست داشته.

۲۶ آبان ۱۳۷۷

با برادران ملکی، یوسفی و ممی زاده جهت حل اختلاف پاسدار [...] با همسرش رفتیم که از ۹ صبح تا ۱۲ ظهر صحبت کردیم؛ هم طرف خانواده [...] حضور داشتند و هم پدر و مادر و برادرهای خانمش که تا ظهر نتیجه‌ای حاصل نشد. ساعت ۴ بعد از ظهر، بنده با برادر ملکی مجدداً رفتیم که بعد از ۲ ساعت صحبت با [...] و همسرش و پدرش نتیجه‌ای حاصل نشد. او ۳ فرزند دارد؛ دختر و یک پسر.

۴ خرداد ۱۳۷۸

استعلام از سازمان اسناد و کتابخانه ملی در رابطه با قضیه بیمارستان پانه مبنی بر این که برادر [...] اولین متهم [...] مدعی خواهد بود، چه نظر دارید، ایشان فرمودند برابر قانون هر کس اندک دگاه بزند، حتی خودم، حتی خود شما، کار برابر قانون دنبال شود. هیچ کونکس هم حورب نگیرد.

در ترکیب و جمله‌بندی‌ها شهید گاه به دلیل ناتوانی قلم، جملاتی بعضاً ناقص از اتفاقات و حوادث پیرامون در سالنامه‌ها و دفترچه‌های خویش درج نموده که اینجانب با شجرت اساتید اقدام به ترمیم آن کرده‌ام. تأکید من در این جمله بر «ترمیم» است؛ نه اصلاح. چرا که با استفاده از نوشته‌های قبل و بعد شهید و در ضمن اسناد کامل به موقعیت زمانی و مکانی وی و تقدم و تأخر خاطره‌ها، این متن صرفاً برای روان‌خوانی انجام گرفته است.

سعی تدوین‌گر در این اثر یکسان‌سازی واژگان نظامی و در بعضی موارد تبدیل کلمات اختصاری رایج بین نظامی‌ها به کلمات کامل است که البته این کلمات قابلیت توضیح در پاورقی را نیز داشت ولی به دلیل کثرت آن از یک سو و چندگونه نویسی از سوی شهید این تصمیم عملی نشد که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنم.